

بولتن کارگری

شماره 6

کمیته همبستگی کارگران ایران و سوئد



«برده داری مدرن»



استثمار و بی حقوقی کارگران پیمانی به حدی زیاد و وخیم است که حتی رسانه ها و مطبوعات حکومتی نیز آن را به «برده داری مدرن» تشبیه کرده اند. استثمار و بی حقوقی شدید و فشارهای اقتصادی و تبعیض آمیز بر این بخش از کارگران چنان غیرقابل تحمل بوده و هست که تنها چند سال پس از دایر شدن این شرکت ها، صدای اعتراض کارگران پیمانی از همه سو بلند

شد. اعتراضات کارگران پیمان کاری به ویژه کارگران پیمان کاری پتروشیمی ها تا سال های نخستین نیمه اول دهه هشتاد، منجر به مصوبه هیات دولت در سال 84 در مورد حذف شرکت های پیمان کاری شد. اما این اقدام، اساسا برای خاموش ساختن کارگرانی بود که به اعتراض برخاسته بودند و منجر به هیچ تغییری در وضعیت شرکت های پیمان کاری و کارگران پیمانی نشد. سال هاست که خواست برچیدن شرکت های پیمان کاری، استخدام رسمی و انعقاد قرارداد مستقیم به خواست محوری صدها هزار کارگر تبدیل شد. یک دهه و نیم بعد از تاسیس و رواج گسترده شرکت های پیمان کاری، سال های 89 و 90 به سال های اوج اعتصابات و مبارزات کارگران پتروشیمی ها که بخش اعظم آن ها زیر پوشش شرکت های گوناگون و متعدد شرکت های پیمان کاری مشغول به کار بودند، علیه این شرکت ها و برای استخدام رسمی و انعقاد قرارداد مستقیم تبدیل شد.

اعتصاب کارگران پتروشیمی تبریز در اسفند سال 89 که یازده روز به طول انجامید، سر فصل جدیدی در مبارزات کارگران پتروشیمی گشود. این اعتصاب به سرعت به پتروشیمی بندر امام و سپس کل پتروشیمی های منطقه اقتصادی ماهشهر تسری یافت. تبریز پیشگام یک اعتراض و اعتصاب سراسری در پتروشیمی شد. گسترش روزافزون اعتصاب در پتروشیمی ها و خطر تسری آن به نفت و گاز و حفاری و سایر صنایع، هیات وزیران را واداشت در 4 دی 90، فسخ قراردادهای منعقد شده میان دستگاه های اجرایی و شرکت های پیمان کاری را تصویب کند.

برچیدن قطعی شرکت های پیمان کاری و انعقاد قرارداد مستقیم، یکی از خواست های اصلی و مهم ترین خواست تمام کارگران پیمانی ست که در صنایع نفت و گاز و پتروشیمی و حفاری و سایر صنایع مشغول به کار هستند و بیش از 80 درصد کارگران این صنایع را نیز تشکیل می دهند.

تشدید بازداشت فعالان کارگری

و سایر جنبش های اجتماعی در ایران!

در ماه های اخیر با افزایش بحران های داخلی و بین المللی حکومت اسلامی ایران، سرکوب و بازداشت فعالان کارگری و سایر جنبش های اجتماعی نیز تشدید شده است. در اعتراض به این وضعیت، تشکل های مستقل کارگری در ایران و در سطح بین المللی و همچنین نهادهای دموکراتیک و دفاع از حقوق بشر و ...، با صدور اطلاعیه ها و ارسال نامه ها و آکسیون ها نسبت به دستگیری، بازداشت، محاکمه و زندان فعالان کارگری، زنان، معلمان، محیط زیست، وکلا، زندانیان سیاسی و عقیدتی، حکومت اسلامی را مورد اعتراض قرار داده اند.

پیش تر کارگران مجتمع نیشکر هفت تپه در نامه ای به «کمیته آزادی سازمان جهانی کار» شکایت خود را از ادامه بازداشت و سرکوب و شکنجه بیش از 50 تن از فعالان کارگری نیشکر هفت تپه و تهدید و احضار کارگران ابراز داشته اند. در بخشی از آن نامه در مورد نماینده محبوب و جسور خود اسماعیل بخشی نوشته اند: «او یکی از نمایندگان صادق و پیگیر ماست که بیش از شش ماه است



برای بار دوم بازداشت شده و در زندان تحت شکنجه تا سرحد مرگ قرار گرفته است.»

در این نامه، علاوه بر توضیحاتی در رابطه با دستگیری

و شکنجه سایر مدافعان جنبش کارگری از جمله علی نجاتی، سپیده قلیان، سناز الهیاری، امیرحسین محمدی فرد و امیر امیرقلی، از سازمان بین المللی کار، خواسته اند به شکایت آنان علیه حکومت اسلامی رسیدگی کند.

هنوز هم برخی از دستگیرشدگان اول ماه مه روز جهانی کارگر، از زندان آزاد نشده اند و یا مجدداً به دادگاه احضار شده اند. ندا ناجی، عاطفه رنگریز، مرضیه امیری و آنیسا اسدالهی همچنان در زندان هستند و آنانی که آزاد شده اند نیز همواره تحت تهدید و ارباب دستگاه های قضایی - امنیتی حکومت اسلامی قرار دارند.

ادامه در ص 4



زنده باد جنبش کارگری

اهداف کمیته همبستگی کارگران ایران و سوئد

کمیته همبستگی کارگران ایران و سوئد با هدف آشنایی، معرفی و جلب پشتیبانی از جنبش کارگری ایران و سوئد تشکیل شده است. رساندن اخبار و مبارزات جنبش کارگری به سازمان‌ها و نهادهای کارگری به‌طور روتین از وظائف کمیته می‌باشد. قوی کردن همبستگی کارگری و شرکت فعال در مبارزات کارگری نیز از اهداف کمیته است.



شکل کار

- *انتشار نشریه به زبان‌های فارسی و سوئدی، استفاده از ابزارهای تبلیغاتی عمومی
- *شرکت و سازماندهی جلسات کارگری
- *تماس با فعالین، نهادها و سازمان‌های کارگری
- *سازماندهی کلاس‌های آموزشی
- *برگزاری جشن‌ها و شب‌های همبستگی
- *شرکت در مراسم اول ماه مه و هشت مارس
- *تشکیل گروه‌های کاری برای پیشبرد طرح‌ها و پروژه‌های مختلف در مورد وضعیت زنان کارگر و برنامه‌های ویژه
- *برای جوانان و نو جوانان و غیره
- *جلب پشتیبانی از مبارزات کارگری و شرکت فعال در مراسم و مبارزات کارگری در سوئد
- *برگزاری کمپین‌های اعتراضی و قرفه‌های اطلاعاتی

آئین‌نامه

- *همه افراد موافق اهداف کمیته بدون توجه به ملیت، جنسیت، مذهب می‌توانند عضو کمیته شوند.
- *اعضا از حقوق کامل و برابر در تمامی سطوح کاری کمیته برخوردارند.
- *اعضا حق انتخاب شدن و انتخاب کردن در تمامی سطوح کمیته را دارا می‌باشند.
- *پذیرش مسئولیت در کمیته داوطلبانه است.
- *مجمع عمومی بالاترین ارگان کمیته بوده که هر ۶ ماه یکبار تشکیل می‌شود.
- *تمامی مسئولین در مجمع عمومی توسط اکثریت اعضا انتخاب شده و نیز با خواست اکثریت اعضا قابل عزل می‌باشند.
- *مسئولیت‌ها در کمیته دوره‌ای است.
- *اهداف، شکل کار و آئین‌نامه و امور مالی کمیته در مجمع عمومی بحث، تغییر و تصویب می‌گردد.
- *مجمع عمومی با نصف + ۱ اعضا رسمیت داشته و تمامی تصمیمات نیز حداقل با رای ۳/۲ اعضا حاضر در مجمع تصویب می‌گردد.
- *حق عضویت ماهیانه ۵۰ کرون سوئد می‌باشد.
- *مجمع عمومی هیئتی را برای هماهنگی فعالیت‌ها انتخاب می‌نماید.
- *مجمع عمومی فوق‌العاده توسط نصف + ۱ اعضا فراخوانده می‌شود.
- *فراخوان مجمع عمومی یک ماه قبل به اطلاع همه اعضا می‌بایست رسیده باشد.

زنده باد همبستگی جهانی کارگران

isask@comhem.se

IRANSK – SVENSKA ARBETAR SOLIDARITETS KOMMITTÉN

نامه سپیده قلیان از زندان قرچک: «چرا

اعتصاب غذا کردم؟»

خبرگزاری هرا نا نوشت: سپیده قلیان از متهمین پرونده اعتراضات هفت‌تپه که هم اکنون در زندان قرچک ورامین به‌سر می‌برد از روز سه‌شنبه 1 مردادماه دست به اعتصاب غذا زده است. خانم قلیان، اکنون با نوشتن نامه‌ای که در ادامه می‌آید دلایل اعتصاب غذای خود و ضرورت این اقدام را به قصد تنویر افکار عمومی توضیح داده است. او در قسمتی از این نامه تاکید می‌کند: «پیام اعتصاب غذای من هم‌فکری و هماهنگی ما علیه ظلم است؛ ظلمی که بر زندانیان سیاسی و خانواده‌های آنان روا داشته‌اند.»

سپیده قلیان در تاریخ 30 دی ماه سال گذشته، بازداشت و تاکنون در زندان‌های سپیدار اهواز، زندان اوین و زندان قرچک ورامین نگهداری شده است.

مهدی قلیان، برادر سپیده قلیان در صفحه شخصی خود با اشاره به تهدید مامورین نسبت به ممنوع‌الملاقات کردن خانم قلیان نوشته است: «سپیده از امروز صبح تا تشکیل دادگاهش به‌خاطر ظلم‌ها و بی‌حرمتی‌هایی که در حق خود و پدر و مادرش روا شده است و انتقال‌های گوناگونش به زندان‌های متعدد دست به اعتصاب غذا زده است و پدر و مادر پیرم با قلبی شکسته‌تر و دستانی خالی و چشمانی گریان از تهران عازم خوزستان شده‌اند.»

سپیده قلیان، روزنامه‌نگار مدافع اعتراضات کارگران شرکت هفت‌تپه، به‌همراه اسماعیل بخشی، سنگون و نماینده اتحادیه کارگران شرکت هفت‌تپه، در تاریخ 30 دی ماه 97، توسط نیروهای امنیتی در منزل شخصی خود بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شدند. بازداشت اسماعیل بخشی و سپیده قلیان در حالی صورت گرفته بود که تلویزیون حکومت اسلامی ایران، شب 29 دی ماه در فیلمی با عنوان «طراحی سوخته» اعترافاتی از اسماعیل بخشی، سپیده قلیان و علی نجاتی، عضو هیات مدیره سندیکای کارگران نیشکر هفت‌تپه که در جریان بازداشت و بازجویی پیشین آن‌ها ضبط شده بود را نمایش داد.

متن کامل این نامه که جهت

انتشار در اختیار هرا نا قرار

گرفته است، در ادامه می‌آید:

تجربه مشترک تمامی کسانی که زندانی سیاسی بوده و یا تحت تهدید نهادهای امنیتی زیسته‌اند، این است که توسط این نهادها به زندانی و خانواده‌اش گفته می‌شود که برای بدتر نشدن شرایط از هرگونه رسانه‌ای کردن وضعیت پرهیز کنند. این امر به وضوح تمایل نهادهای امنیتی به سکوت سرکوب شدگان را نشان می‌دهد. از این نقطه نظر، سکوت در مقابل زندانبان، همراهی با او در برابر بایکوت صدای زندانیان سیاسی و عقیدتی است.

رسانه‌های جریان اصلی و هم‌سو با قدرت نقش خود را با چشم بستن به روی حقایق و سکوت در مقابل این وضعیت ایجاد می‌کنند. اعتصاب غذا انتخاب من نیست. اما در این وضعیت تنها ابزار زندانی برای شکستن سکوت، هرچند در سطح محدود است. بنابراین ابتدا به ساکن هدف از اعتصاب من اعتراض به سرکوب و فشار بر زندانیان سیاسی است و از همین سو از روز گذشته اعتصاب غذای خود را آغاز کرده‌ام.

مسئله دوم، اعتراض به وضعیت خوفناک زندانیان در زندان قرچک ورامین است. تهدید مداوم توسط زندانبانان، نداشتن امنیت جانی، محرومیت از داشتن حداقل نیازهای بهداشتی و قطعی مکرر آب، تنها گزاره‌های کوچکی برای توصیف وضعیت این زندان است. آنچه که در این زندان برای ندا ناجی و عاطفه رنگریز از بازداشت شدگان 1 مه (روز جهانی کارگر)، یاسمن آریانی، صبا کردافشاری و منیره عربشاهی اتفاق افتاده، دلیلی مضاعف برای اعتراض به وضعیت این زندان است.

سلب حق ملاقات من با خانواده‌ام و تحمیل رنج مضاعف پدر و مادر پیرم هرچند که سلب یک حق طبیعی و مسلم است؛ اما در قیاس بر آنچه در این ماه‌ها بر من و خانواده‌ام گذشت و در قیاس با صورت خونین برادرم مهدی، هنگام دستگیری من در دی ماه بی اهمیت جلوه می‌کند. با تکیه بر این دلایل و همبستگی با ساناژ الهیاری که در زندان اوین شاهد دردها و رنج‌های او بودم و همچنین در حمایت از امیرحسین محمدی‌فرد، صبح دیروز سه‌شنبه 1 مردادماه 98، اعتصاب غذای خود را آغاز نموده‌ام. پیام اعتصاب غذای من هم‌فکری و هماهنگی ما علیه ظلم است. ظلمی که بر زندانیان سیاسی و خانواده‌های آنان روا داشته‌اند.

سپیده قلیان - 2 مرداد 98 - زندان قرچک ورامین»



سپیده قلیان در تاریخ 13 اسفندماه 97 به زندان سپیدار، در اردیبهشت ماه 98 به زندان اوین و در تاریخ 13 خردادماه 98 از بند زنان زندان اوین به زندان قرچک ورامین منتقل شد. اوایل ماه جاری پرونده سپیده به‌همراه شش متهم دیگر پرونده اعتراضات هفت‌تپه به‌نام‌های «اسماعیل بخشی، امیر امیرقلی، امیرحسین محمدی‌فرد، ساناژ الهیاری، علی نجاتی و عسل محمدی» پس از جلسه دفاع آخر به شعبه 28 دادگاه انقلاب تهران ارسال شد. جلسه رسیدگی به اتهامات مطروحه علیه متهمین پرونده اعتراضات هفت‌تپه در تاریخ 12 مردادماه سال جاری برگزار خواهد شد.

«پاداش پایان خدمت بازنشتگی حق مسلم است»

یک‌شنبه ششم مرداد شماری از معلمان بازنشته ایران برای دومین روز پیاپی در تهران مقابل ساختمان سازمان برنامه و بودجه تجمع کردند. معترضان که شنبه پنجم مرداد نیز در اعتراض به تاخیر در پرداخت پاداش پایان خدمت در همین مکان تجمع کرده بودند، گفتند: «تاخیر در پرداخت مطالبات بازنشتگان، زندگی آن‌ها را با دشواری مواجه می‌سازد.»

در تصاویر و گزارش‌های منتشر شده حضور ماموران پلیس پررنگ است. کانال تلگرامی شورای بازنشتگان هم در این رابطه گزارش کرد: ماموران پلیس با خشونت به معترضان حمله کردند.

در یک ویدئو که در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده، پلیس با حضور در جمع معترضان آنان را پراکنده می‌کند.

همچنین معلمان شاغل سه مرتبه در اعتراض به خصوصی‌سازی آموزش و پرورش و وضعیت معیشتی تحصن کردند. معترضین از جمله شعار می‌دادند:

فرهنگی می‌میرد ذلت نمی‌پذیرد!
تا پاداش را نگیریم از پا نمی‌نشینیم!

تشدید بازداشت فعالان کارگری...

در خارج کشور نیز نهادها و سازمان‌های سرنگونی‌طلب چپ و مدافع جنبش کارگری، با برگزاری آکسیون‌هایی در کشورهای مختلف جهان، خواهان آزادی همه زندانیان سیاسی و اجتماعی کارگری، دانشجویی، فرهنگی، حفاظت محیط زیست و... از زندان‌های حکومت اسلامی شده‌اند.

پنج سندیکای کارگری فرانسه در نامه‌ای به رهبر حکومت اسلامی ایران، خواهان آزادی دستگیرشدگان تجمع روز جهانی کارگر مقابل مجلس و سایر فعالان کارگری شدند. در همان حال سپیده قلیان و امیر حسین محمدی‌فرد دو تن از فعالان کارگری زندانی در اعتصاب غذا به‌سر می‌برند.

کنفدراسیون دموکراتیک فرانسوی کار(س.اف.د.ت)، کنفدراسیون عمومی کار فرانسه(س.ژ.ت)، کنفدراسیون متحده سندیکایی (اف.اس. او)، اتحاد سندیکایی همبستگی(سولیدر) و اتحاد ملی سندیکاهای مستقل (او ان اس ا) در نامه‌ای به علی خامنه‌ای، رهبر حکومت اسلامی نوشته‌اند که بیش از یک ماه است بازجویی از عاطفه رنگریز، ندا ناجی، مرضیه امیری و آنیسا اسدالهی خاتمه یافته اما این افراد برخلاف قوانین و رویه جاری دستگاه قضایی ایران در زندان به‌سر می‌برند و در این میان ندا ناجی نیز به‌خاطر جراحات ناشی از شکنجه به بهداری زندان منتقل شده است. سندیکاهای کارگری فرانسه، سپس به اسماعیل بخشی تاکید کرده‌اند که در ارتباط با فعالیت‌های کارگری بازداشت شده و تحت فشار قرار دارد تا ادعای خود مبنی بر اعمال شکنجه در زندان را پس بگیرد.

پنج سندیکای کارگری فرانسه از وضع سپیده قلیان که به اتهام حمایت از مبارزات کارگران هفت‌تپه زندانی شده نیز خبر داده‌اند. سندیکاهای کارگری فرانسه در نامه خود به خامنه‌ای، اعلام کرده‌اند که سنانز اله یاری، امیر امیرقلی و امیر حسین محمدی‌فرد، همچنان به وکیل دسترسی ندارند. سندیکاها خواهان آزادی این زندانیان شده‌اند.

در این نامه، با اشاره به اتهامات این زندانیان از جمله «تجمع و تبانی علیه امنیت ملی»، «تبلیغ علیه نظام»، «نشر اکاذیب» و «عضویت در یک گروه با فعالیت علیه امنیت ملی» تاکید شده است: «این اتهامات علیه این روزنامه‌نگاران مستقیماً مربوط می‌شود به پوشش خبری تجمعات اعتراضی کارگران شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت‌تپه، در رابطه با خواست پرداخت مطالبات معوقه و اعتراض به بدی شرایط کار توسط آن‌ها. به واقع این روزنامه‌نگاران در رابطه با حق آزادی بیان، حق آزادی انجمن و جلسه به وظیفه‌شان عمل کرده‌اند.»

سندیکاهای کارگری فرانسه در پایان این نامه، دستگیری و شکنجه فعالان کارگری و روزنامه‌نگارانی که اعتراضات کارگری را پوشش می‌دهند را محکوم کرده و نوشته‌اند:

«ما سازمان‌های سندیکایی فرانسوی امضاءکننده این نامه با تمام نیرو این اعمال سرکوبگرانه غیرقابل تحمل را قویاً محکوم می‌کنیم. از حکومت اسلامی ایران می‌خواهیم که به پیمان‌های بین‌المللی که دولت ایران امضاء کرده احترام بگذارد. ما خواهان آزادی بدون قید و شرط و فوری همه سندیکالیست‌ها، روزنامه‌نگاران و فعالان زندانی، و توقف هرگونه سرکوب هستیم.»

سپیده قلیان از سه‌شنبه یکم مرداد دست به اعتصاب غذا زده است. امیرحسین محمدی‌فرد و سنانز الهیاری نیز 13 تیر سال جاری اعتصاب غذا کردند. سنانز الهیاری پس از 12 روز به اعتصاب غذای خود پایان داد اما بنا به گزارش‌ها، امیرحسین محمدی‌فرد هنوز در اعتصاب غذا به‌سر می‌برد.

چهارشنبه 2 مرداد کمپین حمایت از بازداشت‌شدگان هفت‌تپه اعلام کرد پزشکی متخصص پس از معاینه امیر حسین محمدی‌فرد در زندان اوین نسبت به‌خطر ایست قلبی او هشدار داده و خواستار اعزام او به بهداری زندان اوین شده بود.

در چنین شرایطی گرانی، تورم، بیکاری و فقر در جامعه ایران غوغا می‌کند. هم‌زمان فرار سرمایه‌ها و دزدی و غارت اموال عمومی جامعه توسط مقامات و نهادهای مختلف حکومتی و سرمایه‌داران نزدیک به آن‌ها، ادامه دارد. بنابه گزارش منتشره از سوی «مرکز آمار ایران»، نرخ تورم سالانه تیرماه 1397 تا 1398، بیش از 40 درصد است.

در این گزارش، همچنین گفته شده که خانوارهای ایرانی در تیرماه سال جاری، 48 درصد بیش‌تر از تیرماه پارسال برای خرید کالا و خدمات پول پرداخت کرده‌اند. نرخ تورم برای خانواده‌های شهری در یکسال گذشته 47 درصد و برای خانواده‌های روستایی 54 درصد اعلام شده است. نرخ تورم بالای 40 درصد در حالی از طرف مرکز آمار ایران اعلام شده است که حداقل دستمزد کارگران 36 درصد افزایش یافته و در عین حال سبد معیشت خانوار کارگری در خردادماه امسال بیش از شش میلیون و 400 هزار تومان برآورد شده بود. در حالی که سران و مقامات و نهادها حکومت اسلامی از جمله مرکز آمار آن، همواره به مردم آمار و ارقام غلط و پائینی می‌دهند به همین دلیل، تورم و گرانی واقعی بسیار بالاتر از آمار و ارقامی است که مرکز آمار ایران ارائه می‌دهد.

این وضعیت برای اکثریت مردم ایران غیرقابل تحمل شده است. اما مردم ساکت و بی‌توجه به این وضعیت نیستند. چرا که هم‌اکنون جامعه ما شاهد شکل‌گیری کمپین‌های مختلفی در گوشه و کنار شهرهای بزرگ و کوچک کشور هستند. اکنون کمپین‌های مختلفی در جامعه ایران شکل گرفته‌اند از جمله کمپین حمایت از دستگیرشدگان هفت‌تپه، کمپین علیه طرح جمع‌آوری کودکان، کمپین علیه بی‌دادگاه‌های حکومت و دستگاه قضایی با خواست برگزاری دادگاه فعالان صنفی معلمان به صورت علنی و با حضور هیات منصفه، کارزار برای تحصیل رایگان، کارزار بازنشستگان برای درمان رایگان، کمپین برای آزادی دستگیرشدگان اول مه، کمپین دفاع از فعالین حقوق زنان در بند، کمپین حمایت از کولبران، کارزار حمایت از دست‌فروشان، کمپین حفاظت از محیط زیست و کمپین برای آزادی فعالان محیط زیست، کمپین لغو احکام سنگین ظالمانه علیه سه هموند کانون نویسندگان ایران (رضا خندان مهابادی، کیوان باژن و بکتاش آبتین)، کمپین‌های مهمی اند که توسط فعالین جنبش کارگری، دانشجویی، زنان، نویسندگان و هنرمندان پیشرو و مردمی، مدافعان محیط زیست و... در جریان اند.

این کمپین‌ها را باید هرچه بیش‌تر گسترش داد و سراسری و متحد کرد. این سنت مبارزاتی بسیار مهم را باید هرچه بیش‌تر تبلیغ و ترویج و اجتماعی‌تر کرد. باید راه‌های مهم تقویت مبارزات برحق آزادی‌خواهانه، برابری طلبانه و عدالت‌جویانه را جست‌وجو کرد تا با تقویت فضای اعتراضی و سراسری شدن خواست‌ها و اعتراضات، همبستگی طبقاتی افزایش یابد به طوری که توازن قوای موجود را به نفع مردم برهم زد. در این راستا، تقویت جنبش شورایی با هدف سرنگونی کلیت حکومت اسلامی و برپایی خودمختاری شورایی آن راه درستی است که جامعه ما را به یک جامعه سوسیالیستی بدون طبقه و بدون تبعیض و استثمار رهنمون می‌سازد.

چهل سال است که جنبش کارگری، جنبش زنان، جنبش دانشجویی، جنبش خلقی‌های تحت ستم و آزادی‌خواه، جنبش فرهنگی و هنری جهان‌شمول، جنبش زیست محیطی، بازنشستگان، بیکاران، محرومان و ستم‌دیدگان جامعه ایران با حکومت جهل و جنایت و ترور اسلامی در جدال دائمی به‌سر می‌برند و در این راه، قربانیان زیادی نیز داده‌اند. اما در این چهار دهه، نسل جوانی در جنبش کارگری، دانشجویی، زنان و هنرمندان و نویسندگان وارد این جدال‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی شده‌اند که جز آزادی، برابری و رفاه عمومی به چیز دیگری نمی‌اندیشند. آن‌ها عزم و اراده کرده‌اند که با قدرت خود، این حکومت را ساقط کنند و خود نیز از طریق شوراها و مجامع عمومی خود و در فضایی آزاد و برابر و مستقیم جامعه را اداره کنند و اداره و مدیریت جامعه را همچون تاریخ گذشته، به هیچ شخصیتی و حزبی واگذار نکنند و خودشان مستقیماً قانون‌گذار و هم مجری آن باشند.



گزارش مرکز آمار

تورم تیر 1398 با عبور از مرز 40 درصد، رکورد 23 ساله تورم در تاریخ حکومت اسلامی را شکست. عبور از این مرز از این جهت اهمیت دارد که نشان می‌دهد مردم در 12 ماه اخیر هر ماه با گرانی کم‌سابقه کالاها و خدمات روبه‌رو بوده‌اند و به عبارتی گرانی کالاها و خدمات مداوم بوده و مختص یک یا چند ماه خاص نبوده است.

با وجود ثبت رکورد در تیر امسال، نگاهی به سیر تاریخی تورم در ایران نشان می‌دهد که اقتصاد ایران در چهار دهه اخیر دائماً گرفتار تورم بالا و نوسان شدید قیمت کالاها و خدمات بوده است.

تورم با خروج آمریکا از توافق هسته‌ای در اردیبهشت 1397 و بعد از آن بازگشت دور اول تحریم‌ها در مرداد همان سال دوباره خیر گرفت. بحران در بازار ارز ایران که تابستان پارسال آغاز شد، مانند سال‌های قبل اثر تورمی شدیدی داشت.

گزارش مرکز آمار ایران از تورم منتهی به تیرماه 1398 نشان می‌دهد، نرخ گروه خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها، نسبت به خردادماه 1/3 درصد و نسبت به تیر ماه سال قبل رشد 71/9 درصدی یافته است.

در این گروه، رشد نرخ کالاها نسبت به خرداد ماه برای نان و غلات 1/6 درصد، گوشت قرمز و سفید و فرآورده‌های آن‌ها 1/8 درصد، گوشت قرمز و گوشت ماکیان 1/6 درصد، ماهی‌ها و صدف داران 3/4 درصدی، شیر، پنیر و تخم مرغ 10 درصد، روغن‌ها و چربی‌ها 2/2 درصد، چای، قهوه، کاکائو، نوشابه و آب میوه 5/5 و محصولات طبقه‌بندی نشده در جای دیگر 2/5 درصد بود.

همچنین نرخ میوه و خشکبار 1/1 درصد، شکر، مربا، عسل، شکلات و شیرینی 4/5 درصد و سبزیجات 2/5 درصد با کاهش مواجه شده است.

البته نرخ کالاها این گروه نسبت به تیر ماه سال گذشته (تورم نقطه به نقطه) با رشد چشمگیری مواجه بوده است؛ به گونه‌ای که به ترتیب برای خوراکی‌ها 59/7 درصد، نان و غلات 28/9 درصد، گوشت قرمز و سفید و فرآورده‌های آن‌ها 77 درصد، گوشت قرمز و گوشت ماکیان 76/4 درصد، ماهی‌ها و صدف داران 81/3 درصد، شیر، پنیر و تخم مرغ 45/2 درصد، روغن‌ها و چربی‌ها 45/6 درصد، میوه و خشکبار 5/82 درصد، سبزیجات 75/7 درصد، شکر، مربا، عسل، شکلات و شیرینی 48/9 درصد، چای، قهوه، کاکائو، نوشابه و آب میوه 58/1 درصد و محصولات طبقه‌بندی نشده در جای دیگر 97 درصد رشد را شاهد بودیم.

از سوی دیگر، نرخ دخانیات نیز نسبت به خرداد ماه 0/2 درصد و نسبت به تیر ماه سال گذشته، 68/4 درصد رشد داشته است. هم چنین بخش پوشاک و کفش نیز با رشد 2/4 درصدی نسبت به خرداد ماه سال جاری و رشد 60 درصدی نسبت به تیر ماه سال گذشته مواجه بوده است.

گروه مسکن، آب، برق، گاز و سایر سوخت‌ها به‌طور کلی رشد 4/4 درصدی نسبت به ماه قبل و رشد 27/7 درصدی نسبت به تیر ماه سال گذشته داشته است؛ در این گروه، بخش مسکن 4/1 درصد نسبت به خرداد ماه و 23/6 درصد نسبت به تیر ماه سال گذشته با رشد قیمت مواجه شده است. نرخ آب، برق و سوخت نیز نسبت به خردادماه 6/4 درصد و نسبت به تیر ماه سال 34/4 درصد رشد داشته است.

قیمت مبلمان و لوازم خانگی نیز نسبت به خرداد ماه سال جاری و تیر ماه سال گذشته به ترتیب با رشد 2/7 درصدی و 80/2 درصدی روبه‌رو بوده است. در عین حال، بخش مربوط به بهداشت و درمان و حمل و نقل نیز به ترتیب 5/9 و 2 درصد نسبت به خرداد ماه و 29/7 و 56/6 درصد نسبت به تیر ماه سال گذشته رشد داشته است.

همچنین گروه تفریح و فرهنگ و ارتباطات به ترتیب با رشد 4 درصد و 0/6 درصد نسبت به خرداد ماه و 73/8 درصد و 32/7 درصد نسبت به تیر ماه سال گذشته مواجه بوده است.

مهر، چهارشنبه 13 مرداد 1398

سندیکای کارگران شرکت واحد:

اسماعیل بخشی و حامیان بازداشتی اعتراضات هفت‌تپه را آزاد کنید!

سال 87 کارگران نیشکر هفت‌تپه به دلیل مطالبات عقب افتاده از جمله، تاخیر چند ماهه دستمزد، خصوصی‌سازی، عدم بازنگری طرح طبقه‌بندی مشاغل، عدم برخورداری از امنیت شغلی و غیره دست به اعتراض و اعتصاب زدند. این اعتراضات به دلیل بی‌توجهی مدیران شرکت و مسئولین دولتی از سوی کارگران افزایش یافت و حدود یک ماه کارگران به‌صورت راهپیمایی در سطح شهر در مقابل فرمانداری شهر شوش فریاد حق‌خواهی سر دادند. این اعتراضات به‌دلیل همبستگی کارگران و خانواده‌هایشان، سایر اقشار و حمایت طبقه کارگر ایران و اتحادیه‌های کارگری جهانی بی‌نظیر بود. نهادهای امنیتی - قضایی از ترس فراگیر شدن و گسترده‌تر شدن اعتراضات و اعتصابات و سرایت آن به بخش‌های دیگر کارگری با شدت هرچه بیشتر اعتراضات و اعتصابات را سرکوب کردند.

اسماعیل بخشی، نماینده کارگران نیشکر هفت‌تپه و کارگران پیشرو توسط نیروهای امنیتی بازداشت شد. با فشار بر کارگران و تشکیل پرونده قضایی برای کارگران و بازجویی و ارباب آنان اعتصاب خاتمه یافت. با گذشت حدود هشت ماه از اعتصاب، به‌دلیل عدم برآورده شدن مطالبات کارگران و هراس از موج تازه اعتراضات، نیروهای امنیتی - قضایی کماکان احضار کارگران معترض به دادگاه را در دستور کار دارند و تعداد زیادی از کارگران را احضار و تهدید کردند و اسماعیل بخشی یکی از نمایندگان کارگران با گذشت بیش از شش ماه از بازداشت، همچنان بلا تکلیف در زندان اوین محبوس است.

علاوه بر ایجاد فشار نهادهای امنیتی-قضایی بر کارگران، بخشی از حامیان طبقه کارگر که اخبار اعتصاب را پوشش و در حمایت از کارگران قلم می‌راندند نیز در جریان اعتصاب و پس از آن بازداشت شدند. برای ارباب بیش‌تر کارگران و کل طبقه کارگر که از اعتصاب آنان حمایت می‌کردند، بر خلاف قانون و رویه جاری قضایی با وجود این‌که حدود پنج ماه است بازجویی شان خاتمه یافته و می‌بایست با ضمانت متناسب آزاد شوند اما همچنان چهار تن از آنان بلا تکلیف در زندان نگه داشته شده‌اند.

سپیده قلیان، ساناز الهیاری، امیرحسین محمدی‌فرد و امیر امیرقلی که در حمایت از کارگران هفت‌تپه قلم می‌راندند بیش از شش ماه است بلا تکلیف در زندان هستند. ساناز الهیاری و همسرش امیرحسین محمدی‌فرد در اعتراض به تداوم بازداشت موقت خود و دیگر بازداشت‌شدگان، که بدون توجیه قضایی زندانی هستند، اعتصاب غذا کرده‌اند. ساناز الهیاری به دلیل ضعف شدید جسمانی بارها به درمانگاه زندان منتقل شد و با اصرار همسرش و خانواده خوشبختانه پس از دوازده روز دست از اعتصاب غذا کشید و امیرحسین محمدی‌فرد در پانزدهمین روز اعتصاب غذا قرار دارد و نگرانی‌های جدی در مورد وضعیت جسمانی وی وجود دارد.

فعالیت‌های صورت گرفته توسط اسماعیل بخشی، نماینده کارگران و سایر بازداشت‌شدگان که در حمایت از کارگران قلم رانده‌اند و اکنون بلا تکلیف در زندان هستند نه تنها جرم نیست، بلکه به‌دلیل حمایت از کارگران با ارزش می‌باشد و طبیعی است که به حمایت از هم‌طبقه‌ای‌های خود بآیند. اما به دلیل هراس از فریاد حق‌طلبی کارگران، معلمان، بازنشستگان و سایر مزدبگیران، دستگاه امنیتی-قضایی به‌جای مقابله با زندان و اختلاس‌گران سرمایه‌های ملی، مذبح‌خانه فشار بر کارگران و معلمان پیشرو و حامیان کارگران را افزایش داده‌اند.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه نگرانی خود را از ادامه اعتصاب غذای امیرحسین محمدی‌فرد، اعلام می‌کند و مسئولیت هر اتفاق ناگواری در ادامه اعتصاب غذای وی را متوجه دستگاه امنیتی-قضایی می‌داند. همچنین همگی بازداشت‌شدگان باید فوری و بی‌قید و شرط آزاد گردند و تعقیب قضایی از آنان و علی‌نجاتی عضو سندیکای کارگران نیشکر هفت‌تپه و عسل محمدی که در همین ارتباط به قید ضمانت آزاد هستند باید متوقف شود. سندیکا از ارتباطات کارگری خود در سطح ایران و جهان برای حمایت آنان استفاده خواهد کرد.

زنده باد همبستگی کارگران

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

رونوشت:

سازمان جهانی کار (ILO)

سندیکاها و اتحادیه‌های سایر نقاط جهان

شنبه 29 تیر ماه 1398

کارگران پیمانی صنعت نفت و ضرورت

مبارزه متشکل و سرتاسری

خبرگزاری دولتی ایلنا، 30-07-1398، گزارشی در مورد وضعیت کارگران و کارکنان پیمان کاری در شرکت‌های تابعه وزارت نفت به چاپ رسانده است. در این گزارش به کمیت این نیروها، دستمزدها و مزایای آن‌ها و وعده‌های عمل نشده برای تبدیل وضعیت این گروه بزرگ از کارگران نیز اشاراتی به عمل آمده است.

اما تمام واقعیت‌ها نشان دهنده رواج و گسترش این‌گونه شرکت‌های واسطه و دلال و افزایش شمار کارگرانیست که زیر پوشش این شرکت‌ها کار می‌کنند که البته از همان حداقل‌های حقوقی کارگران رسمی و قراردادی نیز محروم‌اند.

جذب نیروی انسانی شرکت‌ها و موسسات تولیدی و خدماتی از طریق شرکت‌های واسطه و دلال یا شرکت‌های پیمانکاری و تأمین منابع انسانی که از آن به عنوان اشتغال مثلی نیز یاد می‌شود، اساساً از اوائل دهه هفتاد در ایران رایج شد. براساس مصوبه مورخ 31 خرداد 1373 شورای عالی اداری با هدف تجدید تشکیلات دولت، کاهش نیروی انسانی و کوچک‌سازی نقش و اندازه دولت، از طریق واگذاری فعالیت‌های اجرایی دستگاه دولتی به بخش‌های غیردولتی و خصوصی آغاز شد.

اساساً این سیاست در راستای اهداف برنامه بانک جهانی و صندوق



بین‌المللی پول و سیاست اقتصادی نئولیبرال که بعد از جنگ ایران و عراق آغاز شد و ارزان‌سازی نیروی کار، ایجاد زمینه‌ها و آسان‌سازی انباشت سرمایه به دست بخش خصوصی که تشدید استثمار و بی‌حقوقی کارگران در مرکز آن قرار داشت، هم چنان ادامه دارد. باید توجه داشت که صاحبان و گردانندگان این شرکت‌ها که گاه بیش از نیمی از دستمزد کارگر را به جیب می‌زنند، عموماً با مسئولین و مقامات بالا و بانفوذ حکومتی در ارتباط بوده و هستند و در دوره‌های مختلف با مراکز قدرت و نهادهای حکومتی پیوندهای نزدیک و تنگاتنگی داشته‌اند و دارند. حتی برخی مسئولین و مدیران دولتی در راس شرکت‌های پیمان کاری قرار گرفته و ثمره کار کارگران را غارت می‌کنند. کارگر برای کارفرمای دولتی کار می‌کند اما به استخدام یک شرکت دلال و پیمان‌کار تأمین نیروی انسانی درمی‌آید. حقوق و مزایای کارگر توسط کارفرما به شرکت پیمان‌کار پرداخت می‌شود و شرکت پیمان کار پس از کسر «حق دلالی» که تا 50 درصد دستمزد کارگر می‌رسد، بقیه را به عنوان دستمزد به کارگر می‌دهد.

کارگران پیمان‌کاری نه فقط در شرایط کاری نامناسب‌تر و ساعات کار طولانی‌تری بایستی کار کنند، بلکه در عین حال دستمزدهای پایین‌تری نیز دریافت می‌کنند. علاوه بر آن، از کلیه مزایای کارگران رسمی وزارت نفت مانند مسکن، تسهیلات مالی، عیدی و پاداش، مسافرت و استفاده از امکانات تفریحی شرکت نفت و گاه حتی از بیمه‌های اجتماعی نیز محروم‌اند.

علی اکبر فاطمی، نماینده بوشهر در شورای عالی استان در مورد کارگران پیمانی در عسلویه، می‌گوید؛ وضعیت این گروه از کارگران بدتر از رسمی‌ها و حتی قراردادی‌هاست. آن‌ها روزی 12 ساعت و گاه بیشتر کار می‌کنند در ماه 3 یا 4 روز مرخصی دارند، در حالی‌که رسمی‌ها 14 روز کار 14 روز استراحت یا 21 روز کار 7 روز استراحت دارند. در مورد کارگران پیمانی نه ساعات کار رعایت می‌شود و نه حق مرخصی و تعطیلات.



اگرچه اطلاعات دقیق و به روزی در مورد تعداد نیروهای کار پیمانی در صنعت نفت انتشار نیافته است، اما تمامی شواهد حاکی از آن است که بار اصلی چرخش صنعت نفت و گاز و پتروشیمی و حفاری، بر دوش همین کارگران قرار گرفته که شمار آنان نیز نسبت به کارگران رسمی و قرارداد مستقیم، پیوسته افزایش یافته است.

بر پایه آخرین اطلاعات انتشار یافته توسط وزارت نفت تعداد کارگران و کارکنان پیمانکاری زیر پوشش این وزارتخانه از حدود 53 هزار نفر در سال 1384 به 136 هزار نفر در سال 1391 افزایش یافته است. بدیهی است که از سال 1391 تاکنون نیز روند مشابهی طی شده و بر تعداد کارگران پیمانی افزوده شده است. با وجود وعده‌هایی که طی ده سال گذشته چه در دوره احمدی‌نژاد و چه در دوره روحانی در مورد برچیدن شرکت‌های پیمان کاری و تبدیل وضعیت کارگران پیمانی به رسمی و قرارداد مستقیم داده شده، اما هیچ بهبودی در وضعیت این کارگران حاصل نشده و نه فقط کارگران پیمانی به استخدام رسمی و یا قرارداد مستقیم تبدیل وضعیت نشده‌اند که برعکس در کل کارگران و کارکنان صنعت نفت، نسبت کارگران پیمانی به رسمی، پیوسته افزوده شده است. برای نمونه می‌توان به سخنان مدیرعامل مجتمع گاز پارس جنوبی اشاره کرد. وی می‌گوید؛ در پالایشگاه‌های گاز پارس جنوبی 4 هزار و 223 نیروی رسمی و بیش از 8 هزار و 889 نیروی پیمانی شاغل هستند.

بنابراین مطابق این ارقام حدود 68 درصد از کل کارگران و کارکنان شاغل در این مجتمع را نیروهای پیمانی تشکیل می‌دهند. تقریباً همین نسبت کم و بیش در سایر بخش‌های زیر نظارت وزارت نفت نیز صادق است. مثلاً در پتروشیمی رازی از 3 هزار پرسنل آن در سال 1393، 1850 نفر یعنی بیش از 61 درصد زیر پوشش شرکت‌های پیمان کاری بودند که طی سال‌های بعد از آن به احتمال خیلی زیاد، این رقم افزایش یافته است. با وجود آن‌که در مقاطعی در هیأت دولت بحث لغو شرکت‌های پیمان کاری به میان آمده و حتی وعده‌هایی در مورد تبدیل وضعیت کارگران پیمانی داده شده است،

Framtiden är här!

Handelsbankens börssida säger följande om robotiseringen: "Industriroboten slog igenom redan på 1970-talet, men fortfarande är behovet av ytterligare automatisering stort. Företag har ett ständigt behov av att bli effektivare, såväl i västvärlden som på tillväxtmarknaderna. I väst är ökad automatisering nödvändig för att kunna konkurrera med produktion i låglöneländer. I USA har vi för närvarande en trend av återindustrialisering, vilken är möjlig tack vare en ökad robotisering. Den starkast växande marknaden för robotar är dock Kina. I takt med att lönerna stiger måste produktionen effektiviseras. Försäljningen av industrirobotar i Kina har därför ökat med 25 procent per år under de senaste 10 åren. Mycket talar för att den höga tillväxten kommer att fortsätta."

Apples tillverkare (Foxconn) i Kina kommer att hugga ner en del av sina 1,3 miljoner jobb och ersättas med robotar. En del av dessa jobb kommer att återvända till amerikansk mark. (Upstart Business Journal Technology & Innovation 150128) Apple har under lång tid haft problem med badwill som att arbetarna under perioder tvingats arbeta nitton nätter i rad. I regel kör man natten tretton skift på raket, sedan ett friskift och så tretton nätter igen. Elva timmar per skift där övertidsersättning betalas för de två sista timmarna. (Dagens Arbete) Robotiseringen löser mycket av de problem som Apple och dess tillverkare är den direkta orsaken till, såsom strejker och internationella påtryckningar från fackföreningar samt massmedias hårda bevakning. Mot fallande löner gäller det gamla vanliga, hårt motstånd, klasskamp.

Den franska nationalekonomen Thomas Piketty säger: "I en värld där robotarna blir allt effektivare kan kapitalägarnas ökande inkomstandel mycket väl gå hand i hand med fallande inkomster för det stora flertalet." Dock är han inte lika svart som citatet antyder. Vi som socialister bör också tänka på att kräva rejäla skattehöjningar av de rika, vilka är helt befriade från skatt över huvudet. Mot fallande löner gäller det gamla vanliga, hårt motstånd, facklig kamp. Utvecklingen och maskiner ska användas att människorna blir fria av lönearbete och utslagning och i stället ha rätt sysselsättning. Vi får använda teknologin och vetenskap för att frigöra mänskligheten från den monotona och onödiga sysselsättningar eller arbete som skapar inga människovärde. Människor ska använda sina krafter för att utveckla samhället, hjälpa och stötta varandra för ett värdefullt liv, tryggt och säkert för alla.

Resurser och möjligheter finns att några få miljarder människor, djur och växter finns leva gott och utan bekymmer om upphåller och de nödvändiga behov som finns. Allt är överflödiga men några få egoister och förtryckare njuter av alla mänskliga resurser för sina billiga syften.

Vi har inte kommit till världen för att arbeta, vi har kommit för att leva och tillsammans skapa och ordna de livsnödvändiga sysselsättningarna med allas deltagande. Men fel samhällsordning har gjort att majoriteten säljer sig för att kunna överleva och en liten minoritet njuter av livet, alltså åter som kung, sover som stjärna och vaknar i ett slott!!! Detta är omodern och tillhör urtiden. Slaveri har bekämpat för flera år sen men skapats moderna slaveri istället för majoriteten idag.

Digitalisering och automatiseringen måste resultera till bättre arbetsmiljö, och måste resultera till mindre sjuka, arbetstiden ska förkortas här och nu och mer fritid för alla för utveckling och möjlighet att förverkliga sina mänskliga drömmar.

Utvecklingen ska inte användas för mer vinst utan mer mänskliga sysselsättning och fri från monotona, ensidiga och värdelösa uppgifter.

När maskinerna jobbar alla ska få möjlighet till garanterad försörjning och ställa upp till de nödvändiga samhällets sysselsättningar som utbildning, vård och omsorg.

International trade union network of solidarity and struggle
Réseau syndical international de solidarité et de luttes
Rede Sindical Internacional de solidariedade e de lutas
Red sindical internacional de solidaridad y de luchas
Rete sindacale internazionale di solidarietà e di lotta
الشبكة النقابية العالمية للتضامن والنضال
www.laboursolidarity.org



آیت الله سیدعلی خامنه‌ای
رهبر جمهوری اسلامی ایران
دفتر رهبری
تهران، ایران

پاریس 25 ژوئیه 2019

آقای رهبر

با گذشت دو ماه از تجمع آرام روز کارگر در مقابل مجلس در تهران، اعمال فشار بر زنان و مردان دستگیر شده همچنان ادامه دارد. از پنجاه نفر دستگیر شده که اکثریت آنان با قرار وثیقه و کفالت بطور موقت آزاد شده بودند، اکثراً به دادگاه احضار شده و دانما تحت فشار قرار دارند.

خانمها آتیشا اسدالهی، عاطفه رنگریز و ندا ناجی از فعالین حقوق مزدبران و همچنین مرضیه امیری روزنامه‌نگار خودسرانه هفته‌ها است که بدون اجازه دسترسی به وکیل مدافع در بازداشت بهسر می‌برند. آن‌ها متهم به «فعالیت علیه امنیت ملی» شده‌اند، آن‌هم به صرف شرکت در تجمع مسالمت‌آمیز روز اول ماه مه. در روزهای اولیه آن‌ها را در سلول‌های انفرادی زندانی کردند و مورد اذیت و آزار و شکنجه واقع شدند. کمی بعد ندا ناجی در پی جراحتهای ناشی از ضرب و شتم به بهداری زندان منتقل می‌شود. هم اکنون عاطفه رنگریز و ندا ناجی را به بند ویژه زندانیان شور و خشن برده‌اند که در معرض خشونت قرار دارند.

همچنین روزنامه‌نگاران ساناز الهیاری، امیر امیرقلی و امیر حسین محمدی فرد از 4 ژوئیه در اعتصاب غذا بهسر می‌برند. اعتصاب غذای آن‌ها در اعتراض به پیگرد و تداوم بازداشت‌شان، علیه سرکوب جاری فعالین حقوق کارگران و علیه سرکوب روزنامه‌نگاران است.

آن‌ها از ماه ژانویه 2019 خودسرانه و بدون دسترسی به وکیل مدافع در زندان بهسر می‌برند. آن‌ها عمدتاً به «تجمع و تبانی علیه امنیت ملی»، «تبلیغ علیه نظام»، «نشر اکاذیب» و «عضویت در یک گروه با فعالیت علیه امنیت ملی» متهم شده‌اند. این اتهامات علیه این روزنامه‌نگاران صرفاً به‌خاطر پوشش خبری تجمعات اعتراضی کارگران شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت‌تپه است.

اسماعیل بخشی و سپیده قلیان، مبارزان حقوق کارگران بار دیگر در 20 ژانویه دستگیر شدند. دستگیری مجدد آن‌ها در پی افشای شکنجه شدن‌شان در زندان در اواخر سال 2018 بود. خطر شکنجه مجدد شدن هر دو نفر بسیار جدی است.

اسماعیل بخشی سخنگوی سندیکای مستقل کارگران شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت‌تپه است.

سپیده قلیان، یک دانشجوی مبارز مدافع حقوق کارگران است که مبارزات کارگران شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت‌تپه را پیگیری کرده است. هر دو نفر شدیداً تحت فشارند تا اظهارات شان در رابطه شکنجه شدن‌شان در زندان را پس بگیرند.

ما سازمان‌های سندیکایی امضاءکننده این نامه این اعمال سرکوبگرانه و اذیت و آزارهای غیرقابل تحمل علیه سندیکالیست‌ها و فعالین مدافع حقوق کارگران را قویاً محکوم می‌کنیم.

از حکومت ایران می‌خواهیم که به پیمان‌های بین‌المللی که دولت ایران امضاء کرده، از جمله حق ایجاد تشکلهای مستقل، حق برگزاری تجمعات، حق اعتصاب، و حق قراردادهای جمعی، احترام بگذارد.

ما قویاً خواهان آزادی بدون قید و شرط و فوری همه سندیکالیست‌ها، روزنامه‌نگاران و فعالین زندانی هستیم.

سلام های محترمانه ما را بپذیرید.

با تقدیم احترامات

رونوشت به:

آقای حسن روحانی، رئیس جمهور
آقای ابراهیم رئیسی، رئیس قوه قضائیه



Första maj-deltagare som arresterade och strejkande sockerarbetarna sitter fortfarande fängslade.

Gemensam aktion för att befria alla politiska fångar och fängslade arbetare.

Det knakar i fogarna under den rabiata kapitalismens islamiska regim i Iran, vilken desperat och förgäves svävar runt med sitt svärd för att förlänga greppet om makten i deras rädsla att hamna på historiens soptipp.

Redan från början har regimen ägnat sig åt att kväva all kritik och sociala protester och samtidigt fortsatt skingra allmännamensamma medel och landets tillgångar. Avrättningar och arresteringar, mord och terror har varit vardagliga händelser som begåtts av regimen. Regimen har gett sig på alla individer, grupper, samfund, föreningar, förbund och institutioner som höjde sina röster till protest. Ingen journalist eller student och författare har inte försonats i händelse av regimens kännedom om deras motstridiga kritiska tänkande.

Trots denna kontroll och förtryck har en bred allmänhet genom direkta protester och via olika sociala, politiska och arbetarorganisationer, lärare samt studenter och pensionärer fortsatt sin kamp mot regimen i Iran. Den folkliga kampen mot regimen i Iran blir alltmer tydligare, hårdare och större för vardag.

Solidaritet mellan organisationer och föreningar har blivit starkare i sitt stöd den folkliga kampen i Iran mot den islamiska regimen och kräver att all arbetare och demonstranter som greps och fångades på första maj och strejkande arbetare i Haftapneh skall frigöra.

Vi behöver stöd av alla arbetarorganisationer, demokratiska och progressiva krafter till ett gemensamt agerande till stöd för folkets kamp mot regimen i Iran och för alla politiska fångar och de fängslade arbetarnas frigörelse.

Hjälp oss att stå stark mot islamiska regimen i Iran

Iransk-svenska arbetarsolidaritetskommittén
isask@comhem.se

juli – aug 2019

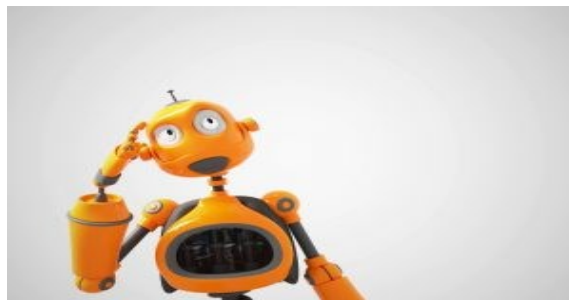
Solidaritet med arbetarnas kamp i Iran!

Framtiden är här!

Låt maskiner och robotar gör jobbet!

Länge garanterad försörjning åt alla!

Det är flera som pratar och diskuterar om digitalisering, automatisering, robotisering och liknande.



Arbetsgivareorganisationen Stiftelsen för Strategisk Forskning SSF skriver i frågan, låt se:

”Hur påverkas svenska jobb av de många nya dator- och robotsystem som är på väg att användas i nästan alla branscher? 2014 publicerades en mycket citerad studie vid Oxford University som i detalj granskade arbetsmomenten i 702 amerikanska yrken och relaterade dessa till utvecklingen inom datorisering och robotisering.

Av det härleddes sannolikheten att olika jobb ersätts av digital teknik under de kommande 20 åren. I denna studie görs motsvarande beräkning för den svenska arbetsmarknaden. Den utgår från samma karakterisering av arbetsmomenten i varje yrke. Yrkeskoderna översätts till dess svenska motsvarigheter. Av det beräknas hur svenska yrken och jobb påverkas av datorisering.

Ett resultat är att Sverige är ännu mer känsligt för datorisering än USA. Femtiotre procent av dagens anställda beräknas kunna ersättas av digital teknik under de kommande två decennierna, mot 47 procent i USA. Det innebär att 2,5 miljoner jobb i Sverige påverkas. (yrkesverksamma 5,3 miljoner i Sverige 2010 vår anm.) Skillnaden beror bland annat på att Sverige fortfarande har fler industrijobb som kan komma att automatiseras. Yrken som kräver fingerfärdighet, originalitet, konstnärlighet, social förmåga, förhandling, förmåga att övertala, och omtanke om andra människor har lägst sannolikhet att ersättas.”

Forsättningen följer sidan 7